

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : جهانگیر:

۰۷.۰۸.۰۹

شبکه لابی رژیم ایران و رهبری جنبش در آمریکا

نویسنده: حسن داعی

روز شنبه ۲۵ جولای، هزاران نفر در دهها شهر جهان برای همدردی با مردم ایران گرد هم آمدند. اما آنچه در آمریکا گذشت و تلاشی که از سوی لابی رژیم ملایان برای کنترل و هدایت این جنبش انجام گرفت، یکی از برگ های سیاه مبارزات ایرانیان در خارج از کشور است. در آغاز از خوانندگان درخواست میکنم که به این ویدئوی کوتاه نگاه کنید. ^۱ بایک طالبی، یکی از بنیانگذاران شورای نایاک، در حال رهبری تظاهرات واشنگتن است. نایاک، لابی رژیم ایران در آمریکاست. ^۲ در این ویدئو، مشاهده میکنید که طالبی برای اخراج هموطنانی که با پرچم ایران حضور یافته اند دست به دامان پلیس می شود. تریتا پارسی، رئیس نایاک نیز در تظاهرات حضور دارد.

این حادثه شرم آور یک نمونه مجزا و منحصر بفرد نیست. در لس آنجلس، علی رغم آنکه دهها هزار ایرانی مخالف حکومت و مخالف همین لابی زندگی میکنند، تظاهراتی در صحن دانشگاه انجام گرفت که گرداننده آن مازیار جبرانی بود. وی عضو هیئت مشاوران نایاک می باشد. صدالبته، اکثر شرکت کنندگان در این تظاهرات، هیچ شناختی از نایاک و رابطه جبرانی با آن نداشتند. در سانفرانسیسکو نیز دوستان تریتا پارسی که در کمیته برگزاری تظاهرات حضور داشتند، تلاش زیادی کردند که وی جزو سخنرانان این گردهم آئی باشد. این امر با مخالفت دیگران روبرو شد و امکان پذیر نگردید. به اینهمه، بایستی حضور مکرر خود تریتا پارسی در برنامه های مختلف رادیویی و تلویزیونی شبکه های مهم آمریکا را اضافه نمود.

سازماندهی اکثر تظاهرات در آمریکا و برخی از کشورهای اروپا در اختیار گروهی بنام "اتحاد برای ایران" بود که مسوول اصلی آن هادی قائمی است. ^۳ هادی قائمی خودش نیز یکی از اعضای هیأت مدیره شورای نایاک (به رهبری تریتا پارسی) بوده است. قائمی مدتی نیز برای سازمان "دیدبان حقوق بشر" کار میکرد. یکی از گردانندگان مهم این سازمان حقوق بشری، گری سیک بوده که از طرفداران کارکشته و پر و پا قرص نزدیکی به ملایان میباشد. ^۴

هادی قائمی در کادر برنامه های نایاک در سال ۲۰۰۴ به ایران رفت و با سازمان نیمه دولتی "همیاران" به همکاری پرداخت. همیاران که در ظاهر یک سازمان غیر دولتی است، توسط حسین ملک افضلی که بیش از ۱۵ سال (من جمله در دوران احمدی نژاد) معاون وزیر و عضو کابینه دولت ملایان بود تأسیس شد. همکاری نایاک با همیاران به پیشنهاد و تصویب وزارت خارجه رژیم انجام گرفت. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶، نایاک مجموعاً صدها هزار دلار از بودجه های کنگره آمریکا را دریافت نمود که عمدتاً برای همکاری با سازمان همیاران در ایران منظور شده بود. ^۵

باید از قائمی پرسید که چگونه می توان در یک زمان، هم با سازمانی که ساخته و پرداخته دولت ایران است همکاری کرد و هم در مورد نقض حقوق بشر در ایران نیز گزارشی بیطرفانه و منصفانه منتشر نمود. از گذشته پر بار هادی قائمی میگذریم و به امروز میرسیم. وی، رئیس و گرداننده اصلی سازمان "کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران" است که در پایان سال ۲۰۰۷ به راه افتاد. این سازمان در کمتر از یکسال نردبان ترقی را بالا رفت و به جایگاه امروزی خود یعنی یکی از گردانندگان تظاهرات در آمریکا رسید. ^۶

تأسیس کننده اصلی این سازمان حقوق بشری یک بنیاد هلندی بنام Foundation for Human Security in the Middle East میباشد که مسوول آن فرح کریمی است.^۷ فرح کریمی که ساکن هلند است، یکی از بنیانگذاران رادیو زمانه میباشد که با بودجه هلند به کار خود ادامه میدهد.^۸

کنترل جنبش در خارج از کشور و محدود کردن آن در چهارچوب نظام

هدف اصلی لابی رژیم کنترل جنبش در خارج از کشور و رهبری آن به گونه ای است که نه تنها هم سطح یا جلوتر از جنبش داخل کشور نباشد، بلکه با پائین آوردن سقف مطالبات، ترمزی برای جنبش گردد. در این نوشته کوتاه، با هم به بررسی اظهارات تریتا پارسی و دوستان وی می پردازیم تا با بخشی از این هدفها آشنا شویم. در گزارشات مفصل بعدی، این اهداف را به طور گسترده تر مورد بررسی قرار میدهیم.

اولین هدف لابی رژیم، جا انداختن این دروغ است که مردم ایران خواهان تغییر رژیم نیستند و این حکومت بی ثبات و متزلزل نیست و از همین رو، بایستی کماکان سیاست ممانعت و زد و بند با آخوندها را ادامه داد. به عنوان مثال، در گزارشی که چند ماه پیش توسط تریتا پارسی، هادی قائمی، گری سیک و عده ای از کار کشتگان سیاست ممانعت با آخوندها برای اوباما نوشته شد، اولین مسأله ای که مورد اشاره قرار گرفت همین با ثباتی کل نظام بود:^۹

"سوال: آیا رژیم ایران شکننده است و شرائط برای تغییر رژیم فراهم است؟"

پاسخ: در واقع می توان گفت که در ایران، هیچ حمایت جدی برای تغییرات خارج از قانون اساسی وجود ندارد. درست است که مردم ناراضی اند اما همین مردم به خوبی به یاد دارند که پس از انقلاب چه اوضاعی در ایران بود، یعنی بی قانونی، اعدام های دست جمعی و مهاجرت صدها هزار نفر و جنگ با عراق. مردم نتایج سیاست های آمریکا برای تغییر رژیم در عراق و افغانستان را دیده اند و اصلا دلشان نمی خواهد که این بلا بر سرشان بیاید."

در همین رابطه، فرانسیس فوکویاما که استاد تریتا پارسی، مرشد و حامی وی در واشنگتن است به صحنه آمده و چند روز پیش در مقاله ای که در وال استریت ژورنال نوشت تأیید میکند که مردم ایران نه خواهان تغییر رژیم اند و نه خواهان تغییر قانون اساسی:^{۱۰}

"مسئله ترجیح بر این است که یک قانون اساسی بر اساس مدل دموکراسی غربی در ایران حاکم شود که در آن آزادی مذهبی، دولتی سکولار و حق حاکمیت مردم و نه حکومت خدا و دین، به رسمیت شناخته شود. اما بر اساس تمام شواهدی که وجود دارد چین تحولی در قانون اساسی ایران فعلا هدف معترضان نیست. اصلاح طلبان و میرحسین موسوی طرفدار ادامه نظام جمهوری اسلامی هستند و خواست اصلی آنها تقویت عناصر دموکراتیک و جلوگیری از دخالت نهادهای انتصابی مثل شورای نگهبان و یا مراکز قدرت نظامی در روند انتخابات و احترام به مبانی قانونی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اولین سال های انقلاب تصویب شده، ظرفیت های لازم برای تبدیل شدن به راهنمایی جهت استقرار حاکمیت قانون و موازین دموکراتیک را داراست."

جلوگیری از حمایت آمریکا از جنبش مردم ایران

هدف دیگر لابی رژیم، جلوگیری از حمایت آمریکا از جنبش مردمی در ایران است. به همین منظور، سعی میکند که موضعگیری آمریکا در حد محکوم کردن خشونت ها باقی بماند و در مورد مسأله اصلی، یعنی جنگ این رژیم قرون وسطائی با مردم ایران موضعی نگیرد. تریتا پارسی و دوستان وی سعی میکنند تا جنبش داخل کشور را به یک "دعوی" انتخاباتی تقلیل دهند و از اوباما میخواهند که جانب هیچکدام از طرفین "دعوا" را نگیرد. "پارسی" در مقاله ای که نوشته میگوید:^{۱۱}

"محکوم کردن خشونت ها (از طرف اوباما) با حمایت از یکی از طرفهای این دعوی انتخاباتی فرق میکند. مردم ایران به اعضای نایک گفته اند که مایل به این نیستند که آمریکا خودش را درگیر این نزاع کند. مردم میخواهند که آمریکا استفاده از خشونت توسط دولت را محکوم نماید."

همانطور که ملاحظه میفرمائید، گویا آنچه در ایران اتفاق افتاده فقط یک نزاع انتخاباتی است که خود طرفهای دعوا تکلیف آنرا مشخص میکنند و احتیاجی به دخالت آمریکا یا دیگر دولت های جهان نیست. با نگاهی به یکی دیگر از موضعگیریهای نایک میتوان منظور آنان را به خوبی باز شناخت. چند روز پس از آغاز قیام در ایران، عده ای از مهمترین نمایندگان کنگره، قطعنامه ای ارائه کردند که وحشیگری رژیم را محکوم کرده و به روشن ترین شکل به دفاع از حقوق مردم ایران بر میخواست. یکی از مسوولان نایک با اظهار تأسف می نویسد:

"این قطعنامه احتمالا با اکثریت قاطع به تصویب میرسد که متأسفانه در نقطه مقابل سیاست های کاخ سفید قرار میگیرد. تاکنون، پرزیدنت اوباما خیلی احتیاط میکرد که در این دعوی انتخاباتی جانب هیچیک از طرفین دعوا را نگیرد."^{۱۱}

همانطور که ملاحظه میشود، هدف لابی رژیم این است که سمپاتی و همدردی مقامات آمریکا در حد اظهار نظر محدود بماند و به هیچ نتیجه عملی منجر نگردد. یکی از شگردهای تبلیغاتی که همیشه مورد استفاده دوستان رژیم

قرار میگیرد این است که اگر ایالات متحده از فرد یا جریانی در ایران حمایت کند به دولت بهانه ای برای سرکوب آنان میدهد. این استدلال به چند دلیل بی پایه و پوشالی است. اولاً نمی توان دلیل عکس العمل یک رژیم سفاک از حمایت از مردم سر باز زد. ثانیاً مگر اتفاقات همین یک ماه نشان نداد که علی رغم مثلاً بیطرفی اوپاما، از همان روز اول، رژیم هر که را دستگیر کرد عامل آمریکا و انگلیس معرفی نمود؟ کار به جایی رسید که حسین شریعتمداری حتی رحیم مشائی یعنی معاون احمدی نژاد را نیز عامل آمریکا معرفی کرد.

مهمتر از همه، اگر اسامی کسانی که این استدلال را در آمریکا همیشه تکرار میکنند روی یک کاغذ بنویسیم و فعالیت آنان در رابطه با رژیم آخوندی را نیز جلوی نام آنها بگذاریم، آنوقت به سادگی متوجه خواهیم شد که اصولاً این استدلال توسط کسانی تبلیغ میشود که اتفاقاً طرفدار سرسخت نزدیکی به ملایان اند و نگرانی اصلی این افراد این است که مبادا زد و بند های آشکار و پنهان با حکومت ایران متوقف گردد.

معرفی اپوزیسیون تبعیدی و حمایت عملی آمریکا به عنوان دو تهدید اصلی جنبش

یکی دیگر از راهکارهای تریتا پارسی و دوستان وی برای جلوگیری از حمایت آمریکا از جنبش مردم، همان داستان شناخته شده ای است که طی چهار سال گذشته به اجراء در آمده است. در این مدت، لابی رژیم با کمک گیری از گروههای ضد جنگ آمریکائی موفق شد تا تحت شعار جلوگیری از جنگ و با تمرکز حمله خود روی جرج بوش و سیاست های به ظاهر خصمانه وی، افکار عمومی را نسبت به خطر احمدی نژاد و خامنه ای فریب دهد و با جلوگیری از اتخاذ سیاست های جدی بین المللی در مقابل رژیم موفق گردید که هم برای برنامه اتمی ملایان ۴ سال وقت بخرد و هم به دست اندازی این حکومت در کشورهای منطقه کمک کند.

اکنون، همان سناریو به کارگردانی تریتا پارسی و همان بازیگران ظاهر صلح طلب با هدف عقیم کردن جنبش مردم ایران بار دیگر تکرار میشود. این بار گویا خطر اصلی که جنبش را تهدید میکند، اپوزیسیون تبعیدی و حامیان نئوکان آن در آمریکا است. به چند نمونه نگاه کنیم. حدود یکماه پیش، تریتا پارسی و همپالکی وی بنام رضا اصلان، با خوش خیالی، مقاله ای در نشریه فارین پالیسی نوشتند و خیر مرگ زود هنگام جنبش را به اطلاع مردم و مقامات آمریکا رساندند. به بخش های کوچکی از این مقاله نگاه میکنیم که به خوبی گویای اهداف مرحله ای لابی رژیم در آمریکاست. در این مقاله که عنوان آن "پایان آغاز" است، پارسی و اصلان روی سه نکته تأکید میکنند: مردم خواهان تغییر رژیم نیستند، جنبش داخل کشور رو به افول است و خطر واقعی که در کمین نشسته، مصادره جنبش توسط گروههای اپوزیسیون خارج از کشور است که اهدافشان با اهداف مردم در داخل کشور متفاوت است:^{۱۲}

"قیام مردم ایران که پس از انتخابات شروع شد، احتمالاً در حال مرگ زودرس میباشد. دولت احمدی نژاد موفق شد تا یک حرکت مردمی گسترده را به اعتراضات پراکنده کوچک در اینطرف و آنطرف تبدیل کند. آنچه از این حرکت مردمی بجای مانده چیزی بدون رهبری و بدون سازماندهی است که خطر دزدیدن آن توسط گروههای خارج از کشوری نیز وجود دارد.

در واقع، تظاهراتی که در ایران پس از انتخابات به وقوع پیوست یک قیام دانشجویان و روشنفکران و یا قیام عناصر ضد رژیم از شمال شهر تهران نبوده است. در عوض، مردمیکه که به خیابانها ریختند بیشتر شامل کسانی بود که به رژیم وفادار بوده و منفعت شان نیز در این است که این رژیم پایدار بر سر جای خود باقی بماند.... گروههای اپوزیسیون خارج از کشوری که اهداف سیاسی شان با تظاهرکنندگان داخل کشور متفاوت است سعی میکنند تا خلا موجود در رهبری جنبش را پر کنند. (بسیاری از این گروهها از مردم خواسته بودند که در انتخابات شرکت نکنند) این فرصت طلبی باعث خشم اپوزیسیون در داخل کشور شده و این حرکت را سرقت جنبش میدانند"

بقیه مقاله نیز به خطر سرقت جنبش توسط گروههای خارج از کشوری و حمایت نئوکان های آمریکا از آنها اختصاص یافته است. درحالیکه مدتهاست اوپاما به کاخ سفید رفته، لابی رژیم هنوز روضه ضد نئوکان خود را ادامه میدهد. حمید دباشی یکی از گردانندگان اصلی اعتصاب غذا در نیویورک، در مصاحبه با بی بی سی نگرانی اصلی خود یعنی دزدیده شدن جنبش و حمایت آمریکا از این دزدان را بیان میکند:^{۱۳}

"سوال: به اعتقاد شما اقدامات مهم بعدی که معترضین ایرانی لازم است در دستور کارشان قرار بدهند چیست؟
"تظاهرات داخلی و خارجی، تظاهرات خیابانی، نوشتن مقالات، باز کردن حوزه عمومی برای بحث آزاد و سازنده، به خصوص در خارج از ایران. ندادن فرصت به برخی فرصت طلبان که این آب را گل آلود فرض می کنند و می خواهند از آن ماهی بگیرند. این آب، گل آلود نیست. این آب، زلال و زیبا و شفاف و حیات بخش است. برای کسانی که در خارج از ایران هستند، وظایف خطیری است. هست مثل: رسوایی سازمانهایی که از دولت آمریکا پول می گیرند که ظاهراً دموکراسی و حقوق بشر را در ایران ترویج دهند و در واقع، بدترین دشمنان حقوق بشر و دموکراسی در ایران هستند. همچنین ممانعت از تحریم اقتصادی ایران، چرا که ضررش مستقیماً متوجه مردم ایران می شود. علاوه بر اینها، تلاش گسترده برای ممانعت از حمله نظامی به ایران که اولین قربانی اش این

نهضت سبز است. خطر حمله نظامی اسرائیل یا آمریکا به ایران، خطری جدی است و چنین حمله ای، مساوی سرکوب نهضت سبز و قتل و کشتار آزادی خواهان ایران است."

همانطور که مشاهده میشود، نگرانی اصلی این افراد بیشتر سیاست های آمریکاست. این نگرانی را میتوان به روشنی در اعلامیه ای مشاهده نمود که سه تن از صلح طلبان آمریکائی در حمایت از اعتصاب غذای نیویورک نوشته اند. راس میر حکیمی (گرداننده اصلی تظاهرات سانفرانسیسکو) شان پن (هنرپیشه) و ریس الریک (نویسنده و روزنامه نگار چپ) در نامه ای که نوشته اند، ضمن آنکه مخاطبین ایرانی خویش را نادان تصور کرده اند، به صورتی باورنکردنی همان مطالب بی پایه ای را تکرار میکنند که ساخته و پرداخته لابی رژیم ایران است. با خواندن بخش کوچکی از نوشته این سه نفر متوجه میشویم که نگرانی اصلی این افراد نه جنبش دموکراسی در ایران، بلکه "نیات شوم آمریکا" و "نقشه های امپریالیستی" کاخ سفید است:^{۱۵}

"در سفری که در سال ۲۰۰۵ به ایران داشتیم ما (شان پن و ریس الریک) با بسیاری از ایرانیان کوچه و بازار مصاحبه کردیم. مردم با ما بسیار مهربان بودند اما مخالفت شدیدی با سیاست های آمریکا بر علیه کشورشان داشتند. ما از مراسم نماز جمعه که در آن ده هزار نفر شعار "مرگ بر آمریکا" سر می دادند دیدار کردیم. بعد از نماز همان شعارگویان ما را برای نهار به خانه هایشان دعوت کردند. این تضاد تا امروز که این کشور درگیر مهمترین تحول (و قیام) اجتماعی از زمان انقلاب ۱۹۷۹ است ادامه دارد. ایرانی ها بر علیه سیستمی استبدادی برخاسته اند اما حاضر به دخالت دولت آمریکا نیستند."

جلوگیری از حمایت عملی آمریکا از جنبش مردم ایران

شان پن و الریک، پس از این روضه ضد آمریکائی، به نکته اصلی پیام خود میرسند که گویا مردم ایران هیچ نیازی به کمک هیچ کس ندارند و باید در مقابل گرگ های آخوندی تنها بمانند:

"پرزینت اوباما در برابر تصمیمات بسیار دشواری قرار دارد. او اگر با شدت بسیار بر علیه احمدی نژاد سخن گوید، متهم به دخالت در امور داخلی ایران می شود و اگر به اندازه کافی اعتراض نکند، دست راستی های آمریکائی او را متهم می کنند که در برابر احمدی نژاد کوتاه آمده است.

واقعیت این است که آمریکا توانائی اندکی دارد که بتواند بر جنبش خودبرانگیخته و عظیمی که برای تغییر به راه افتاده تاثیر گذار باشد. و نباید هم (تاثیرگذار) باشد. در سال ۱۹۵۳ سازمان سیا دولت محمد مصدق را که به صورتی دموکراتیک به روی کار آمده بود سرنگون ساخت و شاه دیکتاتور را به قدرت بازگرداند. دولت بوش تلاش کرد که با در اختیار گذاشتن بودجه و مسلح کردن گروه های مخالف دولت تهران در میان اقلیت های قومی، این دولت را سرنگون سازد.

دولت آمریکا چه از نظر اخلاقی (انسانی) و چه از نظر سیاسی هیچ حقی ندارد که به ایرانیان بگوید چه باید بکنند. ایرانی ها خود کاملاً قابلیت تصمیم گیری برای خود را دارند."

آیا مردم ایران نگران امر و نهی آمریکا به خود هستند یا برعکس، انتظار دارند که هم آمریکا و هم دیگر دولت های جهان آزاد یکپارچه به حمایت از جنبش دموکراسی خواهی شان برخیزند؟ آیا تا کنون در هیچ کجای دنیا شنیده اید که تبعیدیان و مردم مترقی این کشورها از دولت های خارجی بخواهند که به یک ملت تحت ستم کمک نکنند؟ این نیز از معجزات آخوندی است. به همین ترتیب، حمید دباشی در مصاحبه خود هنگام اعتصاب غذا در نیویورک گفت: **"ما به نمایندگی از طرف همه ایرانیان خارج از کشور در اینجا هستیم... مردم ایران از اوباما هیچ توقعی ندارند جز اینکه فقط ناظر این حرکت باشد. حرکت جنبش مدنی ایران به هیچ پولی احتیاج ندارد، به هیچ دولتی احتیاج ندارد."**^{۱۶}

معلوم نیست که کدام دسته از مردم به اطلاع حمید دباشی رسانده اند که مردم ایران به حمایت دولت های آزاد جهان نیازی ندارند؟ چه کسی به ایشان مأموریت داده تا از اوباما بخواهد که فقط نقش ناظر را بازی کند؟ این همان داستانی است که خود رژیم طی چهار سال گذشته با خرج میلیونها دلار جا انداخت. همان دروغی است که لیلان زند (برگزار کننده تورهای زیارتی به ایران برای صلح طلبان طرفدار رژیم) در یکی از تظاهرات ضد جنگ در آمریکا فریاد کشید:^{۱۷}

«هم سنگران من در ایران میخواهند که همه در آمریکا صدایشان را بشنوند. آنها میگویند که ما به اندازه کافی باهوش هستیم و میتوانیم تصمیم بگیریم. آنان فریاد میکشند، با صدای بلند و صریح میگویند که لطفاً آینده ما و رویای ما را ویران نکنید. آنان فریاد میزنند: لطفاً ما را حمایت نکنید.»

البته دوستان لیلان زند یعنی لابی ملایان، سالهاست با خرج صدها و میلیونها دلار، در دالان های کنگره و سنا و کاخ سفید به دنبال این است که آمریکا هر چه بیشتر به رژیم آخوندی امتیاز بدهد و به گفته تریتا پارسی، خاورمیانه را نیز با ملایان تقسیم کند. ظاهراً، از نظر لابی رژیم، نرمش آمریکا در مقابل رژیم حاکم بر کشورمان و افزایش بسته های تشویقی به ملایان امری است پسندیده اما حمایت آمریکا از مردم ایران امری است مذموم که بایستی اکیدا از آن پرهیز شود.

برخورداری از حمایت های مالی بنیادهای ریز و درشت چه در آمریکا و اروپا و همچنین بهره گیری از حمایت های سیاسی در آمریکا اگر برای اصلاح طلبان حکومتی باشد، امری است حلال اما اگر همین دولت ها و بنیادها بطور جدی به حمایت از جنبش مردم ایران برای آزادی برخیزند، حرام است و ناپسندیده.

پایان بخش اول

یادداشت ها:

۱. ویدئوی تظاهرات و اشنگتن
http://www.youtube.com/watch?v=och26QdEEF8&feature=channel_page
۲. برای مطالعه در مورد شبکه لابی رژیم ایران در آمریکا به سایت <http://www.iranianlobby.com> بروید. مقاله اصلی در اینمورد را با کلیک روی این لینک مشاهده فرمائید
<http://www.iranianlobby.com/page1.php?id=7>
۳. اتحاد برای ایران <http://united4iran.org/about>
۴. گری سیک از اعضای مدیریت دیدبان حقوق بشر
<http://www.sipa.columbia.edu/academics/directory/ggs2-fac.html>
۵. برای شناخت بیشتر از این موضوع، مقاله انگلیسی من را مطالعه فرمائید:
<http://english.iranianlobby.com/page1.php?id=16&bakhsh=ARTICLES>
۶. کمپین بین المللی برای حقوق بشر در ایران <http://persian.iranhumanrights.org>
۷. <http://www.bridgingthegulf.org/menu-main/bridgingthegulf/boardmembers>
۸. فرح کریمی و رادیو زمانه http://en.wikipedia.org/wiki/Radio_Zamaneh موسسه Press Now و رادیو زمانه <http://www.comminit.com/en/node/133950/2754>
۹. پروژه سیاست خارجی آمریکا
http://americanforeignpolicy.org/files/experts_statement_on_iran.pdf
۱۰. مقاله فرانسیس فوکویاما http://www.radiofarda.com/content/f3_fukuyama_Iran/1788032.html
۱۱. http://www.niacouncil.org/index.php?option=com_content&task=view&id=1454&Itemid=2
۱۲. <http://niacblog.wordpress.com/2009/06/18/post-election-iran-as-it-develops>
۱۳. مقاله تریتا پارسی و رضا اصلان
http://www.foreignpolicy.com/articles/2009/06/26/the_end_of_the_beginning
۱۴. مصاحبه حمید دباشی، سایت بی بی سی
http://www.mizanpress.com/index.php?option=com_content&view=article&id=3023:2009-07-19-06-35-18&catid=6:2009-04-01-10-24-33&Itemid=66
۱۵. نامه حمایت سه تن از صلح طلبان از اعتصاب غذای نیویورک
<http://news.iran-emrooz.net/index.php?/news1/18858>
۱۶. مصاحبه تلویزیونی حمید دباشی با بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/07/090722_ir88_hunger_strike_ny.shtml
۱۷. نوشته ای از لیلا زند
<http://forpeace.net/blog/leila-zand/oct-27-speech-enough>
۱۸. <http://www.iranianlobby.com>